

یادداشت



علی کفاشیان

دبیرکل اسبق کمیته ملی المپیک

ضرورت بازنگری در هزینه‌های ورزش

ورزش کشور را نباید به بهانه کمبود بودجه تعطیل کرد یا فدراسیون‌ها را از حمایت قهرمانان بازداشت، بلکه آنچه ضروری است، مدیریت صحیح هزینه‌هاست. بهترین راهکار، ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش است تا حمایت از این حوزه را در برنامه‌های خود قرار دهند.

باشگاه‌ها می‌توانند به جای صرف هزینه‌های کلان در موارد محدود، در ورزش قهرمانی سرمایه‌گذاری هدفمند انجام دهند؛همان‌گونه که یک واحد تولیدی با اولویت‌بندی اهداف، از برخی هزینه‌های فرعی صرف‌نظر می‌کند و حتی برای تداوم فعالیت، ناچار به کاهش هزینه‌های جاری می‌شود تا چرخه تولید متوقف نشود. در ورزش نیز نباید منابع مالی به‌طور نامتوازن به یک رشته اختصاص یابد و سایر رشته‌ها از آن بی‌بهره بمانند. دولت نیز می‌تواند با اعطای مشوق‌ها و امتیازها، باشگاه‌ها را به سرمایه‌گذاری در ورزش ترغیب کند. از سوی دیگر، نشانگران نیز باید بپذیرند که در شرایط خاص اقتصادی، انتظارات مالی کلان منطقی نیست و همگام با جامعه، شرایط را درک کنند.

اولویت‌بندی در ورزش به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: اول، ورزش حرفه‌ای که نیازمند تمرین بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر است. در این مسیر، می‌توان به‌جای هزینه برای جذب بازیکنان خارجی، منابع را صرف تقویت تیم‌ها و استعداد‌های داخلی کرد یا زمینه‌لژیونر شدن ورزشکاران نخبه را فراهم آورد تا با بهره‌گیری از امکانات بهتر، مسیر پیشرفت آنان هموار شود.

بخش دوم به اعزام تیم‌ها و کاروان‌های ورزشی به رقابت‌های قهرمانی آسیا، جهان، بازی‌های آسیایی و المپیک مربوط می‌شود. در شرایط فعلی که نگاه جهانی به عملکرد ورزشکاران ایرانی معطوف است، شاید منطقی باشد که برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، اعزام‌ها صرفاً به ورزشکاران مدال‌آور محدود و از اعزام‌های صرفاً تجربه‌آموزی یا حمایتی خودداری شود. این رویکرد همچنین مانع از حضور افراد غیرضروری در کاروان‌های ورزشی می‌شود، به‌گونه‌ای که حتی می‌توان از مهرهای برخی مدیران مسئولان در این سفرها نیز صرف‌نظر کرد تا هزینه‌ها کاهش یابد.

با وجود وابستگی مالی فدراسیون‌ها به دولت، این نهاده‌ا باید پس از اعمال صرفه‌جویی، به سمت درآمدزایی حرکت کنند؛از جمله از طریق واگذاری یا بهره‌برداری بهینه از اماکن ورزشی و جذب حمایت‌های مالی.

تجربه‌کشورهایی مانند آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که بازسازی ورزش حرفه‌ای امکان‌پذیر است. با این حال، باید توجه داشت که شرایط آن کشورها با وضعیت کنونی ایران متفاوت بوده و نوع نگاه آنان به ورزش نیز تفاوت‌هایی اساسی داشته است. با این وجود، یک نکته مشترک در این تجربه‌ها قابل توجه است و آن اینکه آنها در کنار بازسازی ساختارها، از تقویت قهرمانان خود غافل نشدند تا جایگاه قهرمانی شان حفظ شود.

یادداشت

علی‌ام‌رای

کارشناس مدیریت

اقتصادمقاومتی‌عامل‌موفقیت‌ورزش

اگر دست‌اندرکاران ورزش بر پایه اصول «اقتصاد مقاومتی» عمل کنند و از ریخت‌وپاش‌ها جلوگیری شود، می‌توان با حداقل امکانات و بودجه، چرخه ورزش را به‌درستی به حرکت درآورد. در واقع باید این تهدید را به فرصتی مناسب برای پیشرفت ورزش تبدیل کرد.

با صرفه‌جویی و برنامه‌ریزی دقیق، کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش و فدراسیون‌ها می‌توانند از سفرهای غیرضروری درج‌شده در تقویم سال‌ته جلوگیری کرده و در عوض، تمرکز خود را بر فعالیت‌های عمرانی و زیرساختی معطوف کنند. حتی اردوهای خارج از کشور که غالباً جز تحمیل هزینه‌های سنگین برای تیم‌های ملی و باشگاهی دستاورد قابل‌توجهی ندارند، باید مورد بازنگری جدی قرار گیرند.

از سوی دیگر، بسیاری از باشگاه‌های فعال به‌صورت خصولتی و با اتکا به منابع دولتی اداره می‌شوند و در رشته‌هایی مانند فوتبال، والیبال، بسکتبال و... سرمایه‌گذاری‌های ویژه‌ای انجام داده‌اند. با این حال، ضروری است مدیران در شرایط فعلی، تعدد رشته‌ها را ساماندهی کرده و از تیمداری در رشته‌های غیرالمپیکی پرہیز کنند.

در کنار این حمایت‌های دولتی، نهادهای خصوصی نیز به‌عنوان اسپانسر وارد عرصه ورزش شده‌اند. اما لازم است با نظارت وزارت ورزش، از حجم قراردادهای میلییاردی کاسته شود؛ چرا که بسیاری از این هزینه‌ها خروجی مطلوبی ندارند. به نظر می‌رسد سطح حمایت مالی در حد استانداردهای جهانی است، اما دستاوردها حتی در حد نام ایران نیز نیست.

با این حال، مهم‌تر از همه، عملکرد رؤسای فدراسیون‌هاست که با نگاهی کلان به بودجه‌های خود، در عمل بدون نظارت مؤثر تصمیم‌گیری می‌کنند. آنها تنها در مجامع عمومی- که اعضای آن عمدتاً منتخب خود رئیس هستند- گزارش‌های مالی را به معاونان وزارت ورزش ارائه می‌دهند. در واقع می‌توان گفت مجامع ورزشی بیش از آن‌که فعال باشند، منفعل اند. رؤسا باید با نگاهی فراتر، در جهت جذب اسپانسرهای مالی اقدام کرده و علاوه بر ورزش قهرمانی، در حوزه استعدادپروری و فعال‌سازی هیأت‌های استانی نیز عملکرد مؤثرتری داشته باشند.

همچنین معتقدم در شرایط کنونی، نقش شورای برون‌مرزی بیش از گذشته حساس شده و لازم است با رویکردی کیفی به اعزام‌تگانه‌ها کند. با توجه به سه‌برابر شدن هزینه‌ها، باید تنها برای اعزام‌های مجوز صادر شود که در راستای ارتقای رتینگی جهانی و حضور موفق در المپیک باشد.

سینا حسینی / با بازوردهای اولیه از خسارت‌های ناشی از جنگ تمحیلی یک واقعیت انکارناپذیر بیش از پیش برای افکار عمومی آشکار شده است؛ بازگشت به وضعیت پیش از جنگ، نیازمند بسیج منابع مالی، بازتعریف اولویت‌ها و مدیریت دقیق هزینه‌هاست. در چنین وضعیتی، هرگونه تداوم در الگوهای پیشین هزینه‌کرد، نه‌تنها کمکی به بازسازی نمی‌کند، بلکه می‌تواند روند احیای اقتصادی را نیز با اختلال مواجه سازد. از این‌رو، بازنگری فوری در نحوه تخصیص منابع و جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

حوزه ورزش به‌عنوان یکی از بخش‌هایی که طی سال‌های اخیر با رشد قابل توجه هزینه‌ها، بویژه در عرصه حرفه‌ای و باشگاهی مواجه بوده، نیازمند فرصتی تاریخی برای اصلاح ساختارها و بازتعریف مسئولیت اجتماعی در همه حوزه‌ها، از جمله

می‌تواند فشار مضاعفی بر منابع محدود کشور وارد کند. این درحالی است که وابستگی ساختاری ورزش ایران به منابع دولتی، خود به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده و کاهش این وابستگی، امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

پیش از وقوع جنگ نیز، بسیاری از کارشناسان نسبت به «ریخت‌وپاش‌های خارج از عرف» در ورزش حرفه‌ای هشدار داده بودند، اما این هشدارها غالباً با مقاومت مدیران، مربیان و حتی برخی ورزشکاران مواجه می‌شد؛ جرایبی که معتقد بود «ورزش حرفه‌ای، بودجه حرفه‌ای می‌طلبد». اکنون اما شرایط تغییر کرده است. جنگ، نه‌تنها اولویت‌های اقتصادی را دگرگون ساخته، بلکه فرصتی تاریخی برای اصلاح ساختارها و بازتعریف مسئولیت اجتماعی در همه حوزه‌ها، از جمله

«ایران» **ضرورت پایان دوره مصرف‌گرایی در ورزش را بررسی می‌کند**

خداحافظی با مدیریت هزینه، سلام به درآمدزایی

ورزش، فراهم آورده است. در چنین بستری، می‌توان انتظار داشت که جامعه ورزش کشور-اعم از مدیران، مربیان و ورزشکاران-با درک شرایط جدید، نقش فعال‌تری در فرآیند بازسازی ایفا کنند. کاهش داوملبانه هزینه‌ها، حرکت به سمت بهره‌وری بیشتر و مشارکت در برنامه‌های ملی بازسازی، می‌تواند به الگویی جدید از «ورزش مسئولانه» در ایران منجرشود؛ الگویی که در آن، موفقیت صرفاً در مدال‌آوری یا نتایج باشگاهی خلاصه نمی‌شود، بلکه با میزان اثرگذاری اجتماعی نیز سنجیده می‌شود. نگاهی به تجربه کشورهای موفق پس از جنگ، همچون آلمان و ژاپن، می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. این کشورها پس از تحمل ویرانی‌های گسترده، با تکیه بر انضباط مالی، مدیریت هوشمندانه منابع و سرمایه‌گذاری

هدفمند بر توانمندی‌های داخلی، توانستند مسیر توسعه را از نو ترسیم کنند. در این میان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد آنها، پرهیز از هزینه‌های غیرمولد و تمرکز بر کیفیت، بهره‌وری و زیرساخت‌سازی بود. آنها به‌جای اتکا به منابع بیرونی، سرمایه انسانی و ظرفیت‌های بومی خود را محور بازسازی قرار دادند و از دل بحران، فرصت ساختند. ورزش در این کشورها نیز از این قاعده مستثنی نبود. ساختارهای ورزشی با رویکردی مبتنی بر پایداری اقتصادی، شفافیت مالی و توسعه پایه‌ای بازسازی شدند. باشگاه‌ها به سمت خودکفایی حرکت کردند، نظام‌های استعدادیابی تقویت شد و سرمایه‌گذاری‌ها به‌جای تمرکز بر هزینه‌های نمایشی، به سمت زیرساخت‌ها و آموزش هدایت شد.

برای ایران نیز، شرایط کنونی می‌تواند نقطه عطفی

محمدرضا عابدی محزون؛ مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی وزارت ورزش و گفت‌وگو با «ایران»:

وابستگی ورزش به دولت باید کاهش یابد

می‌توان با مدیریت بهینه، هزینه‌های اضافی را کاهش داد

مهری رنجبر / موضوع بازنگری در مدل هزینه‌کرد در اداره ورزش ایران،

در روزهای اخیر به یکی از مسائل مهم تبدیل شده است؛ تا جایی که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران در تحلیل‌های خود تأکید می‌کنند با توجه به خسارت‌های ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی کشور برای بازگشت به روزهای اوج، باید در همه حوزه‌ها به سمت صرفه‌جویی و کیفی‌سازی حرکت کرد. بی‌تردید ورزش ایران نیز در

با شرایط پیش‌آمده، بعید نیست

از اولویت بودجه دولت خارج شود.

به نظر شما چرخ ورزش پس از جنگ چگونه می‌تواند به حرکت درآید؟

در ماه‌های اخیر تجربه دو جنگ تمحیلی را پشت سر گذاشته‌ایم که نشان داد ورزش فراتر از یک حوزه صرف است و ظرفیت راهبردی برای کشور ایجاد می‌کند. در روزهای سخت، ابتکارآفرینی قهرمانان

موجب همبستگی اجتماعی، تقویت روحیه ملی و امیدآفرینی در جامعه شد و نقشی ماندگار ایفا کرد.

پس از این رخدادها، کارکردهای ورزش در حوزه‌هایی چون امیدآفرینی، عزت ملی، انسجام اجتماعی و اقتدار بین‌المللی بیش از پیش مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین نه‌تنها نباید شاهد کاهش بودجه ورزش باشیم، بلکه افزایش اعتبار آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر ملی است. سهم ورزش از بودجه کشور چندان قابل توجه نیست، اما آثار آن فراتر از ارقام است.

در عین حال، در بخش حرفه‌ای ورزش، وزارت ورزش اعتباری تخصصی نمی‌دهد، اما در حوزه ورزش قهرمانی، به‌ویژه پس از حذف ارز ترجیحی، سهم تیم‌های ملی با فشارهای زیادی مواجه شده‌اند. برای ارتقای اهداف راهبردی و موفقیت در میدانیی مانند بازی‌های آسیایی ناگویا، نیازمند بودجه ویژه هستیم.

در این شرایط، صرفه‌جویی مهم‌ترین مسأله است.

صرفه‌جویی از موضوعات مورد تأکید وزیر ورزش است؛ از جمله در اعزام‌ها، کاهش هزینه‌های غیرضروری و مدیریت بهتر منابع. با توجه به شرایط ویژه کشور و هزینه‌های تحمیل‌شده، می‌توان با مدیریت بهینه، هزینه‌های اضافی را کاهش داد.

شاید یکی از راه‌های صرفه‌جویی، حذف افراد اضافه در کاروان‌های اعزامی باشد.

دقیقاً، صرفه‌جویی باید بر هزینه‌های غیرمولد متمرکز باشد. کاهش تشریفات، حذف هزینه‌های زائد و مدیریت بهینه سفرها و استفاده از امکانات موجود، می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد. سیاست‌های لازم نیز پیش‌تر از سوی وزیر ورزش ابلاغ شده و در ستاد عالی بازی‌ها تصمیمات تکمیلی اتخاذ خواهد شد.

آیا اکنون زمان مناسبی برای تشویق

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است؟

کشور در شرایط حساسی قرار دارد. در کنار ضرورت حمایت دولت از ورزش، باید وابستگی کامل به منابع دولتی کاهش یابد. دولت می‌تواند نقش حامی و تسهیل‌گر را ایفا کند و زمینه‌رود بخش خصوصی و خیرین را فراهم سازد. این مدل می‌تواند به توسعه پایدار ورزش کمک کند.



پریسا غفاری / مهران شاهین‌طبع، سرمربی

اسبق تیم ملی بسکتبال، با تکیه بر تجربیات سال‌ها هدایت تیم‌های ملی و باشگاهی در ایران، معتقد است: «در دوران پساجنگ، ختر ورزش در فدراسیون‌ها باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که این نهاده‌ا بتوانند از تمامی ظرفیت‌های کشور بهره‌برند و خود را از وابستگی به بودجه دولتی رها کنند.»

نبايد از اهداف و رویکردهای ورزش غافل شد

یادداشت

عباس صوفی

عضو فراکسیون ورزش مجلس

یک‌شبه نمی‌توان پایه‌های ورزش را سست کرد؛ حتی برای استقلال مالی ورزش از بودجه دولت نیز-بنا به بی‌ریزی و برنامه‌ریزی وجود دارد. در حالی که کشور پس از جنگ، برای بازگشت شادابی و نشاط، بیش از هر زمان دیگری به ورزش نیازمند است، نمی‌توان از اهداف اساسی آن غافل شد. از سوی دیگر، جوانان با امید به ورزش می‌نگرند و نباید اجازه داد جنگ

اولویت‌های سرمایه‌گذاری در ورزش چگونه باید تعیین شود؟

این موضوع نیازمند تصمیم‌گیری چندمعیاره است. مهم‌ترین اولویت‌ها شامل ورزش همگانی، سلامت جامعه، ورزش دانش‌آموزی برای استعدادیابی، توسعه زیرساخت‌ها در مناطق محروم و حمایت از ورزش قهرمانی و باشگاه‌های حرفه‌ای است. معیارهایی مانند اثرگذاری اجتماعی، عدالت منطقه‌ای و بازده اقتصادی در ورزش حرفه‌ای باید مدنظر قرار گیرد.

با این شرایط، آیا می‌توان گفت ریخت و

پاش‌ها در ورزش کاهش یافته است؟

بله، با سیاست‌های وزیر ورزش، کاهش معناداری در هزینه‌های زائد ایجاد شده و صرفه‌جویی در اولویت قرار گرفته است. شرایط جنگی نیز به این روند کمک کرده است.

فدراسیون‌ها باید برای جذب اسپانسر

فعال ترشوند؟

در ساختار بودجه‌ای فدراسیون‌ها، علاوه بر حمایت دولت، جذب منابع غیردولتی پیش‌بینی شده است. انتظار می‌رود فدراسیون‌ها بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های خود را از طریق درآمد‌های قانونی تأمین کرده و وابستگی خود را کاهش دهند.



عکس

کمیته ملی المپیک

آیا قطع همکاری با مربیان خارجی می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند؟

این موضوع در حال بررسی جدی در کمیسیون مربیان خارجی است. تصمیم‌گیری‌ها بر اساس شرایط جدید و با در نظر گرفتن منافع ملی انجام خواهد شد. در باشگاه‌ها نیز این موضوع برعهده هیأت مدیره‌هاست.

با توجه به بازی‌های آسیایی، آیا

کیفی‌سازی کاروان جدی‌تر دنبال می‌شود؟

سیاست کیفی‌سازی همچنان در دستور کار است. اما این به معنای کوچک‌سازی کاروان نیست. اعزام‌ها باید هدفمند، علمی و آینده‌نگر باشد؛ به‌گونه‌ای که هم موفقیت‌آمیز و هم پرورش نسل آینده را تضمین کند.

الگوبرداری از تجربیات کشورهایی مانند

ژاپن و آلمان چقدر مفید است؟ بدون تردید، بررسی تجربیات موفق جهانی می‌تواند راهگشا باشد. با این حال، ایران نیز در مدیریت شرایط سخت، عملکرد قابل‌توجهی داشته است. حتی در دوران جنگ، ورزش تعطیل نشد و تیم‌های ملی فعال بودند؛ نمونه‌هایی مانند

موفقیت در کشتی و توانمند و گواه این موضوع است.

الگوبرداری از تجربیات کشورهایی مانند ژاپن و آلمان چقدر مفید است؟ بدون تردید، بررسی تجربیات موفق جهانی می‌تواند راهگشا باشد. با این حال، ایران نیز در مدیریت شرایط سخت، عملکرد قابل‌توجهی داشته است. حتی در دوران جنگ، ورزش تعطیل نشد و تیم‌های ملی فعال بودند؛ نمونه‌هایی مانند

موفقیت در کشتی و توانمند و گواه این موضوع است.

عملکرد گذشته و تحلیل مسابقات پیشین، سطح کیفی خود را ارتقا دهند. از سوی دیگر، کمیته بین‌المللی المپیک نیز با بررسی رخدادهای دوره‌های گذشته، در جهت بهبود او به مدیریت مسابقات آینده گام برمی‌دارد.»
مدیرت توسعه ورزش حرفه‌ای ایران نیز در این باره گفت: «در این کشورها، ورزش هیچ‌گاه از اولویت خارج نشد و با تکیه بر ستاره‌ها و جوانان توانستند اعتمادبه‌نفس را آرامش را به جامعه بازگردانند. آنها در میان ویرانه‌های جنگ نشان دادند که می‌توان همچنان امیدوار و پرنشاط زندگی کرد. نمونه‌ای از این رویکرد را در المپیک پاریس نیز شاهد بودیم؛ جایی که تیراندازان و آنها در جذب علاقه‌مندان، قابل حذف کامل نیست. تمامی این عوامل در نهایت به ارتقای آموزش و ایجاد باثبات مثبت در جامعه منجر خواهد شد.»

بودجه ورزش کاست. بی‌تردید، لازم است زیرساخت‌های ورزشی

فعال‌تر شوند و اعزام‌ها و تیم‌داری نیز پویاتر دنبال شود. روحیه

آسیب‌دیده مردم پس از جنگ نیازمند بازسازی است و چه ابزاری بهتر از ورزش برای این هدف وجود دارد؟ هنگامی که مردم در زمان جنگ به صحنه آمدند، باید از همگرایی و وحدت آنان بهره برد؛ این ظرفیت در ورزش نیز قابل استفاده است.

فراموش نکنیم که ورزش، حتی از نان شب نیز ضروری‌تر و گاهی

جلوتر از درمان است. مطابق با شعار سال، «اقتصاد مقاومتی در

سایه وحدت و امنیت»، صرفه‌جویی در ورزش باید مدنظر قرار گیرد؛ نه فقط در شرایط جنگی، بلکه در وضعیت عادی نیز این اصل ضروری است. با این حال، صرفه‌جویی نباید بهانه‌ای برای

بی‌توجهی به تکمیل زیرساخت‌های نیمه‌تمام، کاهش اعزام‌ها،

تضعیف تیم‌داری یا عدم پرداخت پاداش به قهرمانان شود.



عکس

کمیته ملی المپیک

آیا اهداف قبلی برای بازی‌های آسیایی همچنان پابرجاست؟

با وجود دشواری‌ها و وقفه‌های ایجادشده، همچنان امکان دستیابی به نتایج مطلوب وجود دارد. تحقق این اهداف نیازمند تلاش مضاعف جامعه ورزش است.

برنامه دفتر برنامه‌ریزی وزارت ورزش

برای تحول چیست؟

برنامه‌های اجرایی موفقیت در المپیک و پارالمپیک و نیز سند آمایش سرزمینی تدوین و تصویب شده است. با این حال، با توجه به شرایط جدید، بازنگری در این برنامه‌ها ضروری است. تحول ورزش تنها از مسیر برنامه‌محوری و با مشارکت نخبگان محقق خواهد شد.

حرفی‌مانده؟

امروز هزینه‌کرد برای ورزش را نباید هزینه بدنامیم، بلکه به آن باید نگاه سرمایه‌گذاری راهبردی داشت. به ویژه با نقش ممتاز ورزش در سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ در امیدآفرینی، سلامت اجتماعی، عزت ملی و دیپلماسی عمومی و رقابت‌های بین‌المللی. بنابراین ورزش نیز به‌توجه به پیشرفت‌ها و باید با رشد هزینه‌ها با افزایش اعتبارات و سرمایه‌گذاری مستقیم در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در رویدادهای پیش‌رو، شناس افتخارآفرینی ورزشکاران را بالا ببریم.

شاهین‌طبع، سرمربی اسبق تیم ملی بسکتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

ورزش باید خود را از نیاز به دولت رها کند

شاهین‌طبع در پایان می‌گوید: «نبايد ورزش را از اولویت دولت خارج کرد، بلکه باید با تقویت نهادهای غیردولتی، زمینه رشد آن را فراهم آورد. فدراسیون‌ها نیز باید فعالیت‌های اقتصادی خود را گسترش دهند تا بودجه‌های دریافتی صرفاً در مسیر قهرمانی هزینه شود. با فعال‌تر شدن هیأت‌های استانی و ساماندهی ساختار، فدراسیون‌ها سیاست‌گذار کلان هستند و هیأت‌ها نقش اجرایی دارند. همچنین توسعه ورزش پایه، وابسته به قهرمانی و جذب مخاطب است و استفاده از مربیان و بازیکنان خارجی نیز به دلیل نقش آنها در جذب علاقه‌مندان، قابل حذف کامل نیست. تمامی این عوامل در نهایت به ارتقای آموزش و ایجاد باثبات مثبت در جامعه منجر خواهد شد.»

در این میان، شاید تنها حوزه‌ای که صرفه‌جویی در آن توجیه‌پذیر است، قراردات با نیروهای خارجی باشد. چه‌بسا بهتر باشد باشگاه‌ها به‌جای استفاده از مربیان و بازیکنان خارجی درجه دو، به مربیان داخلی و بازیکنان ایرانی اعتماد کنند. متأسفانه، برخی فدراسیون‌ها به‌جای برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی با حضور مدرسان بین‌المللی یا اعزام مربیان به سمینارهای آموزشی، اقدام به جذب مربیان خارجی می‌کنند؛ هرچند در برخی رشته‌ها، بهره‌گیری از مربیان خارجی اجتناب‌ناپذیر است. کشور باید در حوزه ورزش بسیار پیشروتر عمل کند، چرا که سرمایه‌گذاری روی جوانان، ارزشی بنیادین دارد و نباید به بهانه صرفه‌جویی در آن راناننده گرفت. می‌توان سیاست‌های انقباضی و صرفه‌جویی را در سایر بخش‌ها اعمال کرد، اما رویکردی سلیقه‌ای و ناخفته در قبال ورزش، به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست.